

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

لزوم تربیت انسان تراز تمدن سازی اسلامی

متن سخنرانی آیت الله میرباقری؛ رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم در مراسم افتتاحیه اولین دوره آموزشی با عنوان "تمدن نوین اسلامی و نظام فکری توحیدی" در دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله طالقانی (ره)

۲۱ آبان ۱۴۰۲

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و آله الاطيبين الاطهرين المعصومين الهداة المهديين سيما بقيه الله في الارضين و ارا احنا لتراب مقدمه الفداء و لعنت على اعدائهم اجمعين
اللهم كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلى اِبائه في هذهِ السَّاعَةِ، وَ في كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيَا وَ حَافِظاً وَ قانِداً وَ ناصِراً وَ دَليلاً وَ عيناً حَتى تُسَكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فيها طويلاً اللهم صَلِّ عَلَيْهِ صَلاهَ لا غايَةَ لِعَدَدِها وَ لا نِهايَةَ لِمَدَدِها وَ لا نَفادَ لَأَمَدِها

ان شاء الله خدای متعال ظهور حضرت را هر چه زود تر مقرر بفرماید و جبهه اسلام را بر دشمنانشان پیروز گرداند و ما را از خدمتگزاران و شهدا رکاب حضرت قرار بدهد، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد (ص). بسیار خدا را شاکرم و سپاسگزارم از اینکه که توفیق حضور در این محفل نورانی را به من عنایت کرد و همچنین از اینکه توفیق عنایت شد که یک طرح گفتگو برای دوستان و عزیزان و دانشجویان عزیز داشته باشیم، ان شاء الله امیدواریم که با کمک شما عزیزان نتایج خوبی حاصل بشود. به نوبه خودم از همه بزرگوارانی که زحمت کشیدند و همکاری کردند برای شکل گیری این دوره به خصوص استاد بزرگوار حضرت آقای موسوی تشکر می کنم .

من کوتاه میخوام مزاحم شوم. چند نکته را عرض می کنم. محور عرایض خودم هم از بیانات رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی اخذ کردم که در گفت و گوی با فرهنگیان عمدتاً مطرح شده است.

- نقش آموزش و پرورش در مدیریت از منظر رهبر انقلاب

نکته اول این است که نسبت به نقش آموزش و پرورش و آموزش رسمی در عبور کشور از گردنه های پیشرفت کم توجهی شده و بیشتر باید به آن توجه شود و آموزش و پرورش در برنامه ریزی هایش - که به خصوص برای آینده او در نظر گرفته می شود- باید به گونه ای متحول شود تا بتواند نقش خود را در عبور دادن جامعه از گردنه های سخت پیشرفت اسلامی ایفا بکند. البته تعبیری از حضرت آقا تقدیم می کنم: « یک مطلب درباره جایگاه آموزش و پرورش در نظام مدیریت کشور است، اصلاً آموزش و پرورش در مدیریت اداره کشور چه جایگاهی دارد؟ به نظر بنده بعضی هنوز قادر نیستند نقش آموزش و پرورش را در پیشرفت همه جانبه کشور درک کنند، یک خطای راهبردی در بین برخی از مسئولین در گذشته وجود داشته که خسارت هایی هم وارد آورده و آن کوچک انگاری این دستگاه حیاتی است؛ بعضی آن را به صورت یک مزاحم و به صورت یک مجموعه مصرفی نگاه کردند، مثلاً فرض کنید فلان قدر از بودجه کشور صرف آموزش و پرورش می شود خوب دنباله اش چیست؟ دنباله اش برون سپاری است؛ خوب این معلوم است نتیجه اش چه می شود. بعد می فرمایند که به نظر بنده عبور از گردنه های دشوار پیشرفت که ما دنبال پیشرفت همه جانبه کشور هستیم و در این مسیر گردنه های دشواری وجود دارد [که] بدون کمک آموزش و پرورش ممکن نیست.»^۱ پس این یک نکته که ما باید توجه داشته باشیم که اگر می خواهیم در مسیر پیشرفت همه جانبه حرکت کنیم نیاز به یک آموزش و پرورش فعال و در تراز این تحولات داریم، که قسمت عمده و یکی از ارکان مهم آن شما آموزگاران و اساتید نسل آینده کشور هستید و مسئولیت خود را در این تراز باید بشناسید و به عهده بگیرید .

- عبور مسیر پیشرفت جامعه از میان درگیری تاریخی و همه جانبه بین دو جریان حق و باطل

نکته دوم اینکه مسیر پیشرفت یک مسیری است که از میدان جنگ اراده ها عبور می کند، یعنی اینطور نیست که تنها یک مسیر پیشرفت و یک مسیر واحدی وجود دارد که همه جامعه جهانی در آن مسیر حرکت می کنند و ما هم باید خودمان را به آن قافله برسانیم. این تصویری است که دنیای غرب می خواسته از پیشرفت درست

^۱ - مقام معظم رهبری، ۱۲/۲/۱۴۰۲، در دیدار شمار زیادی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور

کند و یک دنیای یک جانبه خلق کرده بود. حقیقت این است که مسیر پیشرفت از یک میدان درگیری همه جانبه عبور می کند که این درگیری هم درگیری جدیدی نیست، بلکه درگیری تاریخی است که همواره در طول تاریخ جوامع بشری این دو تا جریان وجود داشته و درگیر بوده اند؛ جریان حق که بر محور انبیاء الهی و اوصیا آنها شکل می گرفته و مسیر کمال و پیشرفت بشر را از بستر هدایت خدای متعال دنبال می کند و معتقد است که ما نیاز به این هدایت الهی داریم و این هدایت را سعی می کنند در همه عرصه های حیات بشر جاری کنند و نقطه مقابلش هم جریانی است که اعلام استغنا از وحی الهی، تعالیم الهی و هدایتی آنها می کردند و طبیعتاً دنبال ساخت یک جامعه و امت دیگری بودند، یعنی بر مدار اندیشه مستقل از هدایت الهی و انبیای الهی این جریان در طول تاریخ وجود داشته و این مسئله ای نیست که مختص به دوران ما باشد. البته در دوران ما این اندیشه یک غلبه و سیطره ای پیدا کرده و به تدریج لایه های باطنی و ظاهری خودش را از ایده های اساسی اش تا فلسفه هایش تا تحولات علمی تا تحول در حوزه فناوری و ایجاد ساختارهای جهانی و بعد هم سبک زندگی را طراحی کرده و بعد هم یک الگوی تمام عیار برایش درست کرده و سعی کرده جامعه جهانی را در یک مسیر یکسان قرار دهد و الا این درگیری همیشه بوده و اینطور نیست که این درگیری، درگیری دوران ما باشد. همواره عده ای پرچمدار تمدنی عرفی و زمینی هستند، تمدنی که مستقل از انبیاء شکل می گیرد و در مقابلش هم یک حرکت عمیق و همه جانبه ای است که انبیاء الهی طراحی کردند و در عمق جامعه بشری جریان دارد و این اختصاص به دوران ما هم ندارد .

- جدی شدن درگیری تمدنی در عصر حاضر

بنابراین یک درگیری همه جانبه است و از دیر باز همه بوده و در دوران ما بسیار جدی تر شده است. تمدن عصر حاضر تمدنی به تمامه مادی است. آنها خود با صراحت اعلام می کنند که دوران حاکمیت نه فقط انبیاء الهی بلکه دوران حاکمیت خدای متعال تمام شده و ما خودمان یک بنیانی را بنا نهاده ایم که می توانیم مستقل از هدایت های الهی و انبیاء، جهان را بر طبق اراده و میل خودمان بسازیم. این راه تمدن جدید است، یعنی عرفی سازی زندگی بشر بر مبنای خواست انسان زمینی .

در دوران ما این ایده تبدیل به یک تمدن فراگیر شده و به خصوص تقریباً در سده گذشته با تحمیل دو تا جنگ بزرگ بر جامعه جهانی بستر گسترش خودش را در جهان فراهم کرده؛ یعنی در گُمایی که بعد از جنگ دوم جهانی بر جهان حاکم شده بود، جنگی که اقلاً ۵۰ میلیون نفوس در آن مستقیم کشته شدند، در جنگی که از سلاح غیر متعارف و اتمی در آن استفاده شده و بعضی از شهرهای بزرگ دنیا شخم زده شده، در این فضای رعب انگیز- که ده ها میلیون هم کشته های خاموش داشته - و در این دوران جنگ اول و دوم نظم جدیدی را برای جهان طراحی کردند و دولت ملت ها را گسترش و سامان دادند. بشر تا قبل از آن به این شکل زندگی نمی کرده است و جامعه جهانی اینگونه نبوده که کشورها بر اساس دولت - ملت ها شکل بگیرد و در دولت ها هم یک دولت مرکزی، اقتدار مرکزی داشته باشد. در جامعه جهانی هم یک دولت مرکزی درست کردند بنام سازمان ملل و زیر مجموعه هاش و جهان را از طریق پروتکل ها و اسناد بین المللی جهان اداره کردند و سعی کردند یک جهان یک پارچه درست کنند که تا الان آثارش را در همه جهان می بینیم، در هر کجای دنیا تقریباً یکسان زندگی می کنند، روابط اجتماعی شان و ظاهر حیاتشان از جمله آموزش رسمی یک ظاهر متشابهی است.

بنابراین باید توجه داشته باشیم که مسیر پیشرفت یک مسیر یک طرفه نیست بلکه دو جریان در این عالم مدعی رشد و کمال بشر هستند. البته تعبیر رشد و کمال نسبت به دستگاه استکبار تعبیر دقیقی نیست، ولی آن ها هم ادعا می کند دنبال پیشرفت و توسعه و کمال بشر هستند و این دو مسیر هم درگیری همه جانبه داشتند و دارند.

نکته مهم این است که مسیر پیشرفت از یک درگیری همه جانبه عبور می کند و این میدان جنگ اراده ها است. اراده هایی که به دنبال ساخت حیات انسان هستند اعم از حیات فردی و اجتماعی و حتی حیات تاریخی انسان .

- استحاله جبهه حق در برنامه جبهه باطل

در این میدان درگیری، اگر ما صحنه درگیری را به خوبی شناسیم و برنامه ریزی نکنیم، امکان این هست که به تدریج در جبهه رقیب استحاله بشویم و بپذیریم. اگر اراده ما تسلیم شد، بتدریج استحاله می شویم. آنها برنامه ریزی برای استحاله ما می کنند و ما بتدریج می پذیریم، همان کاری که فرعون می کرد. «فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ»

فَأَطَاعُوهُ» اول تحقیر می کنند و بعد ما را فریفته تمدن خودشان می کنند و بعد به تدریج ما را در تمدن خودشان استحاله می کنند. من تلقی ام این است که در مسیر پیشرفت به اندازه‌ای که در موازنه بیرونی در جنگ بیرون قدرتمند می‌شویم می‌توانیم درون خودمان را بسازیم و این یک اصل دائمی است. میدان درگیری را باید خوب بفهمیم. اگر یک خطایی یا یک خلطی اتفاق افتاده باید درست تشخیص بدهیم.

- درگیری با غرب فرهنگی مرکز درگیری

گاهی ما میدان درگیری را در تلقی عمومی، درگیری با غرب سیاسی یا غرب جغرافیایی می‌بینیم. غربی که نظام ظالمانه دارد و می‌خواهد به حدود دیگران تعدی بکند ولی حقیقت این است که درگیری ما با غرب فرهنگی است، یعنی با تجدد است و نه با غرب سیاسی. ما با آمریکا می‌جنگیم، با اروپا می‌جنگیم ولی خیلی وقت‌ها با تجدد یا تجدد خواهی مبارزه نمی‌کنیم و و لااقل لایه‌هایی از تجدد را می‌پذیریم. در جاهایی می‌فهمیم که این موارد با فرهنگ ما تناسب ندارد، مثلاً اقتضائات تجدد در شکل‌گیری خانواده که فرهنگ مدرن خانواده را نابود کرده است و در خود غرب چیزی به نام خانواده دیگر نداریم. بله در آنجا هم عده‌ای مقاومت کردند. بعد از انقلاب صنعتی خانواده عشیره‌ای را تبدیل به خانواده سلولی؛ پدر، مادر و فرزندان کردند و بعد هم آرام آرام به سمتی رفتند که فرزندان را از اختیار پدر و مادر در آوردند. بعد هم مفهوم خانواده را از مفهوم زن و مرد به خانواده دو عضوی مرد و مرد و زن و زن، و حتی زن و کودک و مرد و کودک بعد تدریجاً انسان و حیوان تعمیم دادند، الان هم که به دنبال نفی جنسیت اند. می‌دانید این جزو خبرهای شایع است که به کودکان بخصوص ابتدایی می‌گویند که ضمیر مذکر و مؤنث برای خودتان بکار نبرید. شما انتخاب نکرده‌اید که هنوز پسر باشید یا دختر. این دیگر من نمی‌دانم کدام طرح شیطان است؟ «وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغْيِرْنَهُمْ خَلْقَ اللَّهِ» به خاطر دارم در یک زمانی این را با بعضی از تصرفات خیلی محدود تطبیق می‌کردند، ولی واقعاً خیلی عجیب است. این را من یک جایی می‌گفتم، یک عزیزی می‌گفت بله فلان کس که در یکی از این کشورهای مدرن غربی زندگی می‌کند به من گفت: «چه کار کنم؟ به دختر من

پیشنهاد دادند که می‌خواهی تغییر جنسیت بدهی؟ گفته است: بله. شروع کردند و برای تغییر جنسیت دارو هایی را به او می‌دهند و مصرف می‌کند و من هم به هیچ وجه حق دخالت ندارم. کار را به اینجا رسانده اند! بنابراین این را همه ما می‌فهمیم که اقتضاء این حیات مدرن مثلاً در عرصه خانواده چه هست، در عرصه آموزش رسمی، در عرصه علم و فرهنگ و فناوری و بقیه عرصه ها ولی تبعیت می‌کنیم در حالی که این مجموعه ها به هم پیوسته هستند. غرب یک مجموعه به هم پیوسته است اینگونه نیست که شما نخود لوبیایی جدا کنید و بگویید اینجا خوب است و اینجا بد. گزینش کنیم. تجدد اصلاً قابل گزینش نیست. بله می‌شود تجدد را در دل یک فرهنگ و تمدن فرهنگی دیگری استهاله کرد ولی نخود لوبیایی که سواش کنیم و بگوییم همه چیزش خوب است و تنها اخلاق جنسی اش بد است، اینگونه نیست.

ما گاهی غرب را خوب فهم نمی‌کنیم. غرب سیاسی را می‌بینیم، مظالمش را می‌بینیم، بعضی مفاسد اخلاقی بخصوص در حوزه اخلاق جنسی را می‌بینیم اما توجه نداریم که آنچه ما با آن مواجهیم، کل جریان تجدد است. بنابراین پیشرفت ما از دل یک درگیری همه جانبه با جریان تجدد عبور می‌کند. ما باید رقیب را به خوبی بشناسیم و بفهمیم که چگونه باید با او مواجهه بکنیم که به پیشرفت مطلوب خودمان دست پیدا بکنیم و الا پیشرفت خودشان را به اسم پیشرفت متحد الشکل به همه جامعه جهانی تحمیل کرده و خواهند کرد.

میدانید، بحران هایی که در کشور های اسلامی از جمله در کشور ما هست، بحران و چالش اسلام و تجدد است که عمده برنامه ریزی برای تحول بدست کارشناسان سکولار و طنی اتفاق افتاده است. اینها به ظاهر هم افراد مسلمان و حتی نماز شب خوان هستند ولی به قول استاد ما می فرمود: «نماز شبش را می خواند، قرآنش را می خواند، مفاتیحش را می خواند، نهج البلاغه اش را هم مطالعه می کند ولی وقتی می رود سر میز کار همه این ها را زیر میز می گذارد و کتاب فلان دانشمند غربی را روی میز می گذارد و با نسخه او کشور را اداره می کند. مشکل ما این است. در جمهوری اسلامی کاملاً روشن است بحران های ما (حالا تعبیر بحران هم خیلی دقیق نیست) و آسیب های کشور عمده اش در چالش بین ادبیات اسلام ناب، ادبیات انقلاب اسلامی با ادبیات مدرن است.

بنابراین پیشرفتی که ما دنبالش می‌گیریم و باید بتوانیم نقش خودمان را در آن ایفا بکنیم، از میدان یک درگیری همه جانبه تمدنی و در مقیاس جامعه جهانی عبور می‌کند که یک طرف آن غرب فرهنگی و طرف دیگرش ادیان الهی یعنی جریان ایمان و کفر و جریان استکبار و بندگی است. از این میدان درگیری اگر ما بتوانیم به سلامت عبور بکنیم به پیشرفت متناسب خودمان دست می‌یابیم. وضعیت کنونی جهان هم در این میدان درگیری باید مطالعه و شناخته بشود.

- لزوم شناخت نظم جدید جهانی و تغییر آن

غیر از این که اینکه باید این درگیری تاریخی و کلان را بفهمیم و روایت کلانی از آن داشته باشیم و آن را بر دنیای کنونی و شرایط کنونی خودمان تطبیق بدهیم و درگیری را در مقیاس درگیری غرب مدرن، غرب فرهنگی، غرب همه جانبه (تمدن همه جانبه ی غرب) با فرهنگ ادیان الهی و فرهنگ اسلام بفهمیم، باید بتوانیم شرایط را هم بشناسیم، که ما در کدام شرایط درگیری هستیم؟ طرح دشمن برای آینده چیست؟ نقشه ی ما برای آینده چیست؟

میدانید قبل از انقلاب اسلامی، جریان باطل غرب تقریباً در تأثیر گذاری های ظاهری و در عرصه ی سیاسی جهان، نقش ادیان را کمرنگ کرده بودند به طوریکه معتقد بودند میل به صفر شده است و جامعه ی جهانی را بر اساس اندیشه های مدرن اداره می کردند و معتقد بودند که دوران ادیان تمام شده است اما **با انقلاب اسلامی موازنه تغییر کرده است، دوباره فرهنگ بندگی و ایمان، وارد معادلات جهانی شده و موازنه ی قدرت را تغییر داده است.** آن دو گانه و مسیر «مارکسیسم و نظام لیبرال دموکراسی و سرمایه داری» که یکی مدعی عدالت و یکی مدعی آزادی بود را تغییر داده، پرچم عدالتخواهی را به دست گرفته، مارکسیسم فرو پاشیده و یک قدرت جدید در جهان شکل گرفته، جهان سه قطبی شده، بعد هم مارکسیسم فرو پاشیده و صحنه درگیری، درگیری اسلام با غرب مدرن و لیبرال دموکراسی شده است.

این درگیری هم به نقطه ای رسیده که ما الان در نقطه پیچ تاریخی و در مرحله ی عبور از آخرین گردنه ها و در مرحله تحولات اساسی در جهان هستیم. غرب از نظم پیشین خودش، دست برداشته و به دنبال نظم جدیدی می باشد و نظم قبلی غرب، در حال اضمحلال هست، به طور مثال فرض کنید که انقلاب اسلامی به نقطه ای

رسیده و قانون اساسی آن تغییر کرده، الان هم قانون اساسی جهان در حال تغییر هست. خاطرتان هست حضرت آقا این مطلب را در دیدار با دانش آموزان در سال گذشته مطرح کردند که ما در آستانه ی نظم جدید هستیم، یعنی قانون اساسی جهان دارد تغییر می کند. از منظر رهبر انقلاب جهان آینده مختصاتی خواهد داشت؛

۱- اینکه قدرت آمریکا افول می کند و دیگر محور نیست

۲- قدرت از غرب به آسیا و منتقل می شود .

۳- ادبیات مقاومت گسترش پیدا می کند .

این سه شاخصه ای بود که ایشان اشاره می کنند. البته شاخصه های دیگری هم هست، اما ایشان این سه مسئله ی اساسی را اشاره فرمودند. پس ما الان در چنین شرایطی قرار داریم؛ که غرب نظم جدیدی را دنبال می کند، ما باید متوجه باشیم نقش خودمان را در نظم جدید ایفا کنیم و نگذاریم که باز نظم جدیدی را بر جهان تحمیل کنند و دنیای اسلام و جبهه ی مقاومت از آن نظم منفعل بشوند. ما اگر دنبال پیشرفت هستیم، باید این پیشرفت اسلامی را در تراز معادلات جهانی، جانمایی کنیم و الا اگر پیشرفت در مقیاس جهانی مجدداً طراحی شد(ولو طراحی جدید) منفعل خواهیم شد .

می دانیم که آن ها دنبال نظم جدید هستند، دولت ملت ها تغییر کرده و بع دنبال آن هستند که جهان را بر محور شهر پایدار دارند (با مؤلفه هایی که برایش بیان کردند) بسازند. ما باید پیشدستی کنیم و نگذاریم نظم جهانی را آن ها شکل بدهند و نقش خود را ایفا کنیم .

همین چند روز قبل، به دنبال تحولات مهم منطقه ای که در حال وقوع است و جنگی که معادلات قدرت را در منطقه و به تدریج در جهان تغییر خواهد داد، بایدن گفته بود: (حالا عباراتش خیلی دقیق نیست و از ترجمه است) به دنبال هر شش تا هشت دهه، اتفاقاتی خواهد افتاد که در طول دو سه سال، نظم دهه های آینده شکل میگیرد و ما در دل چنین مرحله ای هستیم که در ضمن دو سه سال آینده، نظم دهه های آینده جامعه جهانی شکل می گیرد. این ها دنبال این هستند که دوباره مثل جنگ های اول و دوم جهانی، با قدرت وارد صحنه بشوند، ایجاد رعب بکنند و ایجاد فشار در جامعه ی جهانی؛ البته بسیار پیچیده تر از دو جنگ

جهانی؛ و جامعه ی جهانی را برای دهه هایی وارد تنگای جدیدی کنند، طرح آن ها این است. خیلی هم از دوران قبل پیچیده تر هست؛ مانند اتفاقاتی که در دوران کرونا رخ داد، واقعاً نقشه ای بود، واقعاً اتفاقی بود، حالا دست ساز بود یا نبود، مسئله ی دیگری هست. می دانید از آن استفاده کردند و جامعه ی جهانی را به سمت یک نظم جدید و نظم در حکمرانی مجازی سوق دادند و به نسبت هم موفق بودند .

بنابراین وضعیت کنونی جهان در نقطه ی حساسی هست که در این نقطه سرنوشت دهه های آینده در آن شکل میگیرد، ما باید این وضعیت را بشناسیم و نقش خودمون را ایفا کنیم. البته روشن است که اگر هوشیار باشیم - که هستیم - نقش جبهه ی مقاومت در گسترش ادبیات مقاومت در جهان در قبال نظام سلطه بسیار زیاد است و باید آن را افزایش دهیم کما اینکه الان اینگونه هست. الان بسیاری از معادلات جهان را جبهه ی مقاومت تعریف می کند، حتی به نظرم گسترش جنگ به اروپا و داستان اوکراین هم ناشی از گسترش ادبیات مقاومت اسلامی هست. حالا این مطلب در جای خودش باید بررسی شود. بنابراین شرایط زمانه ی ما چنین شرایطی هست.

- لزوم تربیت نسل جدید در تراز حرکت تمدنی جدید

انقلاب اسلامی، نقش خودش را در عبور دادن جامعه ی جهانی از نظم پسینی از جنگ های اول و دوم، ایفا کرده و جامعه ی جهانی دارد وارد نظم جدیدی می شود، نظم قبلی شکسته می شود و البته تحولات هم سریع هست، آن ها هم دنبال تحولات هستند، و ما هم باید در این شرایط ببینیم که آینده جهان چیست؟ چون شما می خواهید نسلی را تربیت کنید که دو دهه ی بعد می خواهند فعال باشند و نقش ایفا کنند. شما باید ببینید اتفاقات دو، سه دهه ی آینده چی هست و متناسب با آن کار بکنید. هم خودتان و هم نسل را بسازید. همچنانکه آموزش رسمی مدرن، مأموریتش تربیت انسان در تراز تمدن مدرن و در تراز عصر روشنگری است ، انسانی که خود را مستقل و مستغنی از انبیا و آموزه های الهی می بیند، نقش شما هم باید تربیت یک نسل در تراز تمدن اسلامی باشد، آن هم نسلی که متناسب با تحولات دهه های آینده است. لذا حتماً برنامه ریزی ها باید معطوف به تحول باشد .

غیر از این که، این آموزش رسمی به تعبیر حضرت آقا (مدظله العالی)، از اولی که وارد ایران شده، کهنه بوده، الان که دیگر به هیچ وجه نمی تواند اقتضات آینده را تأمین کند، باید به دنبال تحول باشیم. ما حتماً نیازمند تحول هستیم که حضرت آقا هم بر این مقوله تأکید کردند و بحث های شنیدنی و خواندنی هم دارند. عرض من این است در این شرایط، شما می خواهید ان شاء الله بار مسئولیت بزرگی را بر دوش بگیرید، یک نسلی را تربیت کنید؛ می شود منفعل باشید، انسان مدرن تربیت کنید، کما این که اقتضای این آموزش رسمی ما هم هنوز همین هست، انسان مدرن تربیت می کند. بخش عمده تربیت نسل انقلابی موجود، روی دوش معلمان نسل گذشته بوده که چون تفکرشان انقلابی بوده است، یک نسل انقلابی تربیت کرده اند والا اقتضای این دانشگاه و اقتضای این آموزش رسمی - که تقریباً گرته بردای از غرب و بدون تصرف و دخالت است - تربیت انسان عصر روشنگری است.

من نکته مهمی به ذهنم می آید که خیلی مهمه در مبارزات دانشجویی ما یک دهه عقب تر مبارزاتی بوده که معنی دار بوده، ولو اینکه حالا ممکن است بعضی سلايقم هم آن را نپسندد، اما کار الان به جایی رسیده که در سال ۱۴۰۱ مطالبات دانشجویی نخبه ی ما (نمیخواهم بگویم همه اینگونه بودند) در یکی از بهترین دانشگاه های نخبه پرور بشود مطالبه ی سلف مشترک و....، این خیلی ابتدال است. این اقتضای طبیعی آموزش رسمی است. نسل انقلاب اسلامی این مسیر را تغییر داده و جریان های سکولار دوباره این مسیر را در دانشگاه ها به دست گرفتند و میخواهند به همان مدار برگردانند و این اقتضای آموزش رسمی است. شما باید آموزش رسمی را متحول کنید. بخش عمده از این تحول هم بر دوش شما معلمان آینده و اساتید آینده است. منتظر نمانید که دیگران این کار را رقم بزنند خودتون به صورت خودجوش و به صورت حلقه های میانی البته به شکل معقول و در همراهی با دولت و حاکمیت و متناسب با سند رسمی تحول، باید این کار را به عهده بگیرید. اگر هم به جاهایی هم سند نیاز به تغییراتی دارد متناسب با تحولات پیش رو پیشنهاد بدهید و دنبال کنید. این کاری است که به عهده شما عزیزان است، شما باید نسلی را تربیت کنید.

- شاخص های نسل تراز انقلاب اسلامی در بیانات رهبری

حالا من بعضی از بیانات حضرت آقا را در رابطه با تربیت نسل می‌خوانم و شما باید خودتان را برای تربیت چنین نسلی آماده کنید، انسان در تراز عصر ظهور، انسان در تراز لاقابل تمدن اسلامی، انسان درگیر با تمدن فراگیر غرب، انسانی که آن تمدن را می‌شناسد و همه جانبه با آن درگیر است، انسان تحول خواه که می‌خواهد شرایط را به نفع اسلام تغییر بدهد

ایشان در دیدار معلمان فرهنگیان در سال ۹۸ فرمودند:

«آموزش و پرورش باید بتواند انسان هایی را تربیت کند که دانا، توانا، خردورز، پارسا، پرهیزکار، پاکدامن، کارآمد، مبتکر، شجاع و اهل اقدام باشند؛ از دشمن و تهدید نترسند؛ خواب رفتگی و غفلت پیدا نکنند. این اگر شد، این کشور به همانی که بنده آرزو کردم و گفتم و وعده دادم و انشالله خواهد شد خواهد رسید مثلاً تا پنجاه سال دیگر هر کسی در دنیا بخواند مرزهای جدید علم را بدست بیاورد، مجبور باشد فارسی یاد بگیرد. تربیت یک چنین انسانهایی، یک چنین جوانهایی، پایه های اصلی ایران سربلند فرداست، پایه های اصلی تمدن نوین اسلامی است.»

این کار عظیم و وظیفه شماهاست. شما انشالله باید بتوانید واقعا در این تراز کار بکنید، هم معلم در این تراز باشید و هم دانش آموز در این تراز تربیت کنید و مسیر رسمی تحول را متحول کنید. در این مسیر موجود از دلش انسان عصر روشنگری بیرون میاد .

یه موقعی من برای معلمان عزیز عرض می‌کردم: شماها صبح تا شب دانش آموزتان را در مقابل غرب تحقیر می‌کنید، هر معادل علمی به او یاد می‌دهید اسم یک دانشمند غریبست، ادبیاتش ادبیات زبان بیگانست و بشمیرید هر نظریه ای را مطرح میکنید صاحبش یک انسان غریبست، غرب را به عنوان کانون علم، به عنوان کانون فرهنگ معرفی میکنید بعد هم آخرروز هم یک کلاسی میزارید به نام مثلاً آموزش دینی و به آنها می‌گویید مثل آنها لباس نپوشید مثل آنها رابطه نداشته باشید. این مطالب را آنها از شما قبول نمیکنند.

- لزوم تعلیم فرهنگ مقاومت

این تحول هم از مسیری باید عبور کند که این مسیر هم در بیانات حضرت آقا به خوبی بیان شده است و یکی از مهمترین مولفه های آن مسئله مقاومت است. بچه ها باید ارزش مقاوم بودن را بفهمند اینکه اجزای یک ملت باید اجزای مقاومی باشند، مقاوم یعنی چه؟ یعنی در مقابل باج گیری عقب نشینی نمی کنند، در مقابل حمله به خودشان نمی لرزند، در مقابل زورگویی کوتاه نمی آیند.

علاج کشور در این است توسعه «احساس مقاومت» و «روحیه مقاومت»؛ دنیا، دنیای زورگوییست شرق و غرب هم ندارد، باید یک ملت بتواند در مقابل زورگویی ها مقاومت بکند، این را باید از بچگی یاد بگیریم، این باید از نوجوانی در ما نهادینه بشود، آن وقت نسل سازنده تمدن به وجود می آید، نسلی که میتواند ملت را عزتمند کند، کشور را عزتمند کند و همه ی اینها در مدرسه انجام می گیرد.

عنایت کردید که عرض کردم که مقاومت تنها در برابر مظالم سیاسی غرب نیست بلکه مقاومت در برابر هجوم یک تمدن است که انسان ها را تحقیر می کند. یک روز با ایده ترقی، یک روز با ایده پیشرفت از طریق دانشگاههایی که برای توسعه این ایده ها ساخته شده مثل دانشگاه سوربن و امثال آن در فرانسه و انگلیس و آمریکا و... نسل ما را می بردند اول تحقیر می کردند و بعد فریفته و در آخر هم استحالشون می کردند و بعد به آنها ماموریت می دادند که ملت های خودشون را به نفع غرب تغییر دهند. ما در مقابل این امر عظیم باید مقاومت کنیم و باید نسلی را تربیت کنیم که بتواند در مقابل هجوم دنیای غرب به خصوص هجومی که در دوره های اخیر، در یک دهه اخیر به اوج خودش رسیده مقاومت کند.

انشالله خداوند به شما توفیق بدهد بتوانید هم خودتان را بسازید و معلمی در تراز انقلاب اسلامی و در تراز تمدن اسلامی باشید و هم مسیر آموزش رسمی را متحول کنید و این کار شدنیست. بتوانید یک نسل فرهیخته و فهیمی را تربیت کنید که تحولات زمانه خودش و درگیری های همه جانبه با تمدن غرب را میفهمد و میتواند در مقابل هجوم و فشار دشمن، فشار همه جانبه مقاومت کند. ببینید الان رسانه های جدید فضایی را برای آینده طراحی می کنند که بسیار خطرناک است.

نمیدانم شما بعضی از فیلم هایی که ناظر به آینده پژوهی غرب است دیدید؟ حتما دیدید، آثار هنریشون را رمان هاشون را خیلی آینده خطرناکی را دارند رقم می زنند. شما باید انسان های مقاومی در مقابل آن آینده برای بشریت تربیت کنید. الان لحظه حساسیست هم خودتون را بسازید و هم راهی که دیگران را تربیت کنید. هم آگاهی و دانش لازم دارد و هم سحرخیزی می خواهد.

خلاصه خدای متعال به وجود مقدس نبی اکرم می فرماید: شما یک ماموریت بزرگ دارید، شما باید نیمی از شب بیدار باشید و با این کتاب مانوس باشید (يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا) ما گاهی خیال می کنیم اینکارها برا آدمهای بیکاره است. اینطوری نیست این که می گویند نصف شب بیدار باش نه اینکه شب بیدار باش روز بخواب مثل ما دیدید ما خیلی هنر می کنیم ماه رمضان ها را می گذاریم برا تربیت، شبها بیداریم و روزها روزه می گیریم و کامل میخوایم. خیر اینگونه نیست چون (إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا) آن کار بزرگ روز، این بیداری شب را می خواهد، نه اینکه بیدار باشید روز بخوابید. بیدار باش که روز کار کنید ما خیال می کنیم که اگر روز بخوایم کار کنیم باید شب بخوایم. خیر قرآن میگوید: شب اگر بیدار بودید روز کار کنید، قرآن می گوید اگر می خواهید روز موفق باشید شب بیدار باشید. با طرح الهی انس بگیرید، ما باید این طرح و برنامه الهی را به اندازه ظرف خودمان، در زندگی خود و در زندگی پیرامونی خود محقق کنیم.

انشالله خداوند متعال همه شما را موفق بدارد (مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمِلَ بِهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعَىٰ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا) خیلی عبارت بزرگ است در کافی نقل کرده به نظرم از امام صادق (ع) احنافداه است. برای خدا بیاموزید، برای خدا تعلیم بدهید و برای خدا عمل بکنید، که اگر اینگونه شود نه در ملک بلکه در ملکوت عالم و آنهم نه در ملکوت عرض، بلکه ملکوت سماوات دُعَى صورت می گیرد. انشالله خداوند همه شما را موفق به این امر بدارد و به تبع شما هم ما را موفق بدارد.

والسلام عليكم و رحمه الله و بركاته